



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی
تصحیح، شرح و تعلیقات کتاب مطلع السعدین و ارسته سیالکوتی مل

استاد راهنما
دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور
دکتر فرانک جهانگرد

پژوهشگر
عباس مسائلی

اسفند ماه ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی
تصحیح، شرح و تعلیقات کتاب مطلع السعدین و ارسته سیالکوتی مل

استاد راهنما
دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور
دکتر فرانک جهانگرد

پژوهشگر
عباس مسائلی

اسفند ماه ۱۳۹۶

سپاسگزاری

سپاس خداوندی را که زمین را آفرید و آن را گاهواره‌ای امن قرار داد تا جهانیان در آن بیاسایند و از نعمات او بهره‌مند گردند و بی‌شک انسان از آدم ابوالبشر علیه الرحمه تا فرزندان خلف و ناخلف او هیچ یک نتوانسه است ذره‌ای و تنها ذره‌ای شکر نعمت خداوند رحیم را بجا بیاورد.

اما بعد، این کمترین همیشه در طول زندگانی بی‌برکت خود حسرت و دریغ آن را خورده‌ام که چرا در زمانی به این کاروانسرای دنیا رسیده‌ام که هیچ یک از بزرگان و مردان خدا نمانده‌اند و همگی بار سفر خود به دیار جاوید برده‌اند و چرا خداوند، توفیق هم‌صحبتی با هیچ یک از بزرگان را به عصر من ناچیز نداده است و فقط داستان‌ها و خاطراتی از آن بزرگان و علماها و حکیمان گذشته به ما رسیده است. تا اینکه خداوند تقدیر من را اینگونه قرار داد تا شخصی مانند دکتر ابوالقاسم رادفر را ببینم و بشناسم و بفهمم که آن حکایت‌ها، افسانه نیست و هنوز مردانی خدایی وجود دارند که خود را وقف علم و دانش کرده‌اند و سجایای اخلاقی را به حد کمال در خود جای داده‌اند و تواضع و فروتنی به آن‌ها غبطه می‌خورد. با تمام وجود از او تشکر می‌کنم که مانند اقیانوسی اجازه رفع عطش به این کمترین تشنه داد و کجا می‌توانم عظمت این اقیانوس را در قلم بیاورم.

سپاس می‌گویم زنی را که دلسوزانه و با تمام وجود، من را در این راه یاری کرد و هرگاه و بی‌گاه با گشاده‌رویی، سراج راه تاریک من سرگردان شد. دکتر فرانک جهانگرد بی‌شک زنی است که معنی مردی را در حق من تمام کرد و به من ثابت کرد که هر قدر انسان عالم‌تر و بزرگ‌تر باشد مهربان‌تر و متواضع‌تر است و بی‌غلو نمی‌توانم در این چند خط شکر او را بگویم و یا قطره‌ای از بزرگی‌های او را بنگارم.

برای هر مفهومی در ذهن تصویری باید داشت و یا ساخت. معنی و مفهوم درستکاری و دلسوزی و خدمت خالصانه به خلق خدا در ذهن من ناچیز زنی را متبلور می‌کند که به من فهماند می‌شود در سیمت کارمندی هم استاد و بزرگ بود و فهماند که برای خدا کار کردن یعنی چه. خانم عسگری استادی را در لباس کارمندی درآورده که نمی‌توان در چند خط حق تشکر از او را ادا کرد.

علیرضا ندرلو، رضا زنگنه و بهمن بنی‌هاشمی دوستانی بودند که معنی رفاقت را در آن‌ها دیدم و قدم به قدم و لحظه به لحظه برای تمام کردن حق رفاقت بر من نارفتند. آن‌ها کسانی هستند که در این وانفسا، نویدبخش آینده‌ای روشن برای این مرز و بوم هستند که بی‌شک توانایی بالا نگه داشتن علم و دانش در بازوان اینان وجود دارد. و هرچند که از تحسین الدعای نمی‌رسد ولی طمع می‌کنم بر کرم خداوند ذوالکرم و از او می‌خواهم توانایی جبران ذره‌ای از محبت‌های این عزیزان را به این بنده ناتوان عطا کند. و در آخر خدا را شکر می‌کنم که اجازه شکر از مخلوقاتش را ولو به همین چند خط به من عطا فرمود.

«چهار»

چکیده

مطلع السعدین، کتابی است که در قرن دوازدهم هجری قمری، توسط وارسته سیالکوتی در شبه قاره هند نوشته شده است. این کتاب در حوزه بلاغت زبان فارسی نگارش، و برخی از قواعد و اصطلاحات بلاغت فارسی در آن شرح داده شده است. از آنجاییکه نویسنده این کتاب جایگاه علمی بالایی در زمان خود دارد این کتاب از نظر علم بلاغت در جایگاه بالایی قرار دارد. ما در این پایان نامه سعی کردیم ابتدا در مقدمه، درباره وارسته سیالکوتی مل و ویژگی‌های کتاب مطلع السعدین او مطالبی را ارائه کنیم و بعد متن منقح و کاملی از این کتاب ارائه بدهیم تا در تحقیقات سیر بلاغت نویسی و زنجیره کتب بلاغی کتاب کاربردی‌ای به دست بیاید. و همچنین در بخش تعلیقات برخی از عبارات و واژه‌های دشواری که در این کتاب بکار رفته و امروزه کاربرد چندانی ندارند توضیح داده شده است. وارسته سیالکوتی در این کتاب برای هر مبحث ابیات و فقراتی از شاعران به عنوان شاهد مثال آورده است که این شاعران اغلب شاعران قرن دهم تا دوازدهم قمری و بعضاً هم عصر وارسته بوده‌اند و وارسته سعی کرده است در موارد کمی از ابیات شاعران سرشناس و قدیمی استفاده کند، در بخش تعلیقات سعی کردیم معرفی کوتاهی از شاعرانی که وارسته از آن‌ها نام برده است انجام دهیم. همچنین اشارات قرآنی و فهرست الفبایی اصطلاحات بلاغی و توضیح عبارات عربی موجود در کتاب مطلع السعدین در بخش تعلیقات موجود است. در فصل نتیجه‌گیری نیز جایگاه این دست‌کتاب‌ها در پیوستگی سیر تکامل و تشریح علوم بلاغی فارسی زبانان و اهمیت تصحیح و تشریح این نوع کتاب‌های مهجور ولی پراهمیت برای یافتن تغییرات و تکامل مباحث علوم دستوری و بلاغی بیان گردیده است.

کلید واژه: بلاغت، وارسته سیالکوتی مل، مطلع السعدین، سبک هندی.

فهرست مطالب

۴	۱- کلیات پژوهش
۴	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۱-۱- معرفی وارسته
۶	۱-۱-۲- آثار وارسته سیالکوتی
۱۲	۱-۱-۳- ملاحظات زبانی وارسته
۱۳	۱-۱-۴- نقد نظرات دیگران
۱۴	۱-۱-۵- دقت‌های بلاغی
۱۵	۱-۱-۶- بعضی از نظرات متفاوت او
۱۹	1-2- تعریف مسأله یا بیان مشکل
۲۰	1-3- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)
۲۰	1-4- اهداف پژوهش
۲۰	1-5- قلمرو پژوهش
۲۱	1-6- سؤال‌های پژوهش
۲۱	1-7- فرضیه‌های پژوهش
۲۱	1-8- پیشینه پژوهش (بررسی اجمالی کارهای مشابه پیشین)
۲۱	1-9- جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش
۲۲	1-10- روش پژوهش و دلیل انتخاب این روش
۲۲	فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات
۲۲	فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

۲- متن کتاب مطلع السعدین	۲۴
۱-۲- باب اول در باب ماهیات نظم که آن را شعر خوانند	۲۸
۱-۱-۲- فصل اول در بیان معنی شعر و ما یناسبها	۲۸
۲-۱-۲- فصل دوم در بیان اقسام کلام منظوم	۳۰
۳-۱-۲- فصل سوم در بعض مصطلحات شعرا	۴۷
۴-۱-۲- فصل چهارم در محسنات کلام	۵۹
۵-۱-۲- فصل پنجم در صنائع	۶۴
❖ [لمعة اول در صنائع معنوی].....	۶۴
❖ [لمعة دوم در صنائع لفظی].....	۹۹
۱-۱-۲- فصل ششم در بیان تصرفات شعرای قادر سخن ماهر فن	۱۳۷
۱-۲-۷- فصل هفتم در معایب شعر	۲۰۸
۲-۲- باب دوم در کلام نثر که آن را انشا گویند	۲۳۲
۱-۲-۲- فصل اول در ماهیت انشا و ما یناسبها	۲۳۲
۲-۲-۲- فصل دوم در ماهیت منشی	۲۳۲
۳-۲-۲- فصل سوم در رجحان انشاء [بر] شعر و منشی بر شاعر	۲۳۳
۴-۲-۲- فصل چهارم در بیان اقسام انشا	۲۳۴
۵-۲-۲- فصل پنجم در بیان قواعد و قوانینی که مستلزم فن نثرپیرائی و واجب شیوه انشا آرائی است	۲۳۴
۳-۲- خاتمه	۲۳۶
۱-۳-۲- در بیان ضوابط و رسم الخط که آن را املا گویند	۲۳۶
۳- شرح و تعلیقات	۲۴۰
۱-۳- آیات	۲۴۰
۲-۳- واژه نامه	۲۴۹

۲۶۶.....اصطلاحات بلاغی ۳-۳

۲۸۲.....عبارات عربی ۴-۳

۲۹۱.....شرح احوال شاعران ۵-۳

۴۲۷.....نتیجه گیری ۴

۴۳۱.....کتابنامه ۵

۱- کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

۱-۱-۱- معرفی وارسته

وارسته سیالکوتی مل شاعر، ادیب و بلاغی قرن دوازده هجری قمری در شبه قاره هندوستان است. او را می‌توان پس از سراج‌الدین علی خان آرزو اکبرآبادی و میرغلامعلی آزاد بلگرامی از منتقدان برجسته سبک هندی در شبه قاره هندوستان دانست. در تذکره‌های معروف آن دوره هیچ نام و نشانی از وارسته ذکر نشده است. حتی حاکم لاهوری که وارسته در حمایت از اشعار او رساله جواب شافی را نوشته است، در تذکره خود یعنی *مردم دیده* هیچ ذکری از وارسته سیالکوتی مل به میان نیاورده است. در تذکره *خزانه عامره* میرغلامعلی آزاد بلگرامی، ذیل نام حاکم لاهوری، آزاد بلگرامی اشاره‌هایی به نقد وارسته بر آرای خان آرزو کرده و بعضی از گفته‌های او در رساله *جواب شافی* را نقل کرده است اما ذکر مجزایی از وارسته سیالکوتی (چه در *خزانه عامره* و چه در *سرو آزاد* و چه در *ید بیضا*) نیاورده است. مولف کتاب *ادبیات فارسی در میان هندوان* درباره او نوشته است: «تنها مختصری در گل رعنا [تالیف شفیق اورنگ آبادی] موجود است و تذکره‌های دیگر درباره او ساکتند» (محمد عبدالله، ص ۱۳۰) دکتر محمد عبدالله علت این موضوع را این گونه بیان می‌کند که وارسته جزء دسته شعرا محسوب نمی‌شده است و

نکته دیگر آن که کل عمرش را در پنجاب گذرانده است و به دهلی و لکهنو که از مهمترین مراکز فرهنگی و ادبی شبه قاره بوده رفت و آمدی نداشته است. به همین دلیل از جمع فعالان آن مراکز فرهنگی به دور بوده است و به همین دلیل چندان شناخته نشده است. این نظر را می‌توانیم تا حدود زیادی صحیح بدانیم. در لغتنامه دهخدا نیز به نقل از تذکره صبح گلشن درباره وارسته چنین گفته شده است:

«وارسته. [ر ت آ] (اخ) وارسته لاهوری سیالکوتی نامش تل است و برای تحقیق اصطلاحات فارسی به سرزمین ایران قدم گذاشت و سی سال در آنجا بود و کتاب مصطلحات الشعرا و صفحات کائنات را به کمال تنقیح و تهذیب تالیف نمود و با شیخ محمدعلی حزین لاهیجی محبتی داشت بنابراین رجیم الشیاطین را در جواب تنبیه الغافلین خان آرزو نگاشت، میرزا محمدحسن قتیل نبیره او بود و آهنگ سخن بدین سان می‌سرود:

دل ز زلفش مشک چین دارد هوس

این پریشان بند برمو بسته است.

سرو در رقص است وقمری مست ودست افشان چنار

وقت بشکن بشکن توبه است ساقی می بیار.

رباعی:

از سیرت نواب ز ما می‌پرسی

داند همه کس تو از کجا می‌پرسی

دانی که لئیم است و خسیس است و بخیل

بینی ده و فرسنگ چرا می‌پرسی.

(تذکره صبح گلشن).

با این حساب بهترین منبعی که به معرفی وارسته پرداخته است همان کتاب *ابیات فارسی در میان هندوان* است. توضیحات دکتر سید محمد عبدالله درباره وارسته را می‌توان به این شکل خلاصه کرد: محل تولد وارسته لاهور نیست بلکه سیالکوت است. او از پیروان آیین هندو بوده است. در میان هندوان، اسامی‌ای چون سیالکوتی مل، پیشاوری مل، امر تیسری مل و غیره معمول است درباره تحصیل و خانواده و احوال دیگر وارسته اطلاعات چندانی در دست نیست.

۱-۱-۲- آثار وارسته سیالکوتی

آثار وارسته سیالکوتی مل به ما نشان می‌دهد که او در حوزه علوم ادبی دانشمندی بوده است و نگاه نقادانه‌ای در این حوزه داشته است. این آثار عبارت است از:

۱-۱-۲-۱- مصطلحات الشعرا

مصطلحات الشعرا، فرهنگی است از اصطلاحات کم‌کاربرد و غیر رایج فارسی که در اشعار شاعران برجسته دوره سبک هندی آمده است. وارسته در این کتاب نهایت پژوهش را صورت داده است و در کتب و منابع غور بسیار کرده است و برای اصطلاحات، مثال‌های قابل توجهی از شعر فارسی برگزیده است. وارسته در آغاز مصطلحات الشعرا اینگونه بیان می‌کند: «بسم الله مجریها می‌خوانم و سفینه کاغذی در بحر سخن می‌رانم. الهی شرطه توفیق، هوا دارم کنی تا کشتی شکسته بسته خود را به جودی سلامت واصل گردانم و تاجر سخن را که عرشه نشین زورق زبان است به ساحل تحقیق رسانم.

بنده وارسته به محض سرنوشت ازلی، شب و روز محو مطالعه در دواوین فصحا بودم و دل و جان را وقف عشق نوخطان الفاظ و معانی می‌نمودم. اکثر محاورات غریبه فارسی زبانان در اشعار فصاحت بار دیدم به تحقیق آن کمر سعی محکم بربستم. هرچند گرد کتب لغات گردیدم نفعه حل

معانی بعضی از آن نشنیدم، ناچار رجوع به زبان دانان ایران دیار آوردم و پانزده سال در این تلاش به سر بردم و آن چه از زبان آن جماعت شنیدم برای انتفاع جمهور سخن پردازان خواستم در حیّز کتابت درآرم، لهذا آن را با بعضی لغات غریبه با وصف آن که معانی آن در نسخ لغات و شروح دواوین و مثنویات قدما مرقوم است به جهت سهولت طلبه در این صحیفه مسطور نمودم و از ضبط محاورات و لغاتی که در مصنفات تازه گویان به نظر درنیامد، عطف عنان اشهب قلم واجب دیدم. و این نامه را به مصطلحات الشعرا که مشعر تاریخ شروع تألیف است موسوم گردانیدم. التماس از آشنایان بحر سخن آن که هرگاه از این سفینه چشمی آب دهند از انصاف در نگذردند و از تعصب و اعتساف پهلو تهی کنند که الإنصاف خیر الأوصاف گفته‌اند در محلی که خطایی و سهوی معاینه نمایند زبان تعنت به کام خموشی کشیده و به قدر میسور در اصلاح کوشند.» (وارستۀ سیالکوتی مل، ۱۳۸۰: ص ۳۷ و ۳۸)

بسیاری از اصطلاحاتی که در این فرهنگ بیان شده است در فرهنگ‌های پیش از آن دیده نمی‌شود از این روی این اثر یکی از منابع مهم لغت در آن دوره محسوب می‌شود. اگر عبارت «مصطلحات الشعرا» را با حساب جمل بسنجیم ماده تاریخ سال آغاز تألیف این کتاب به دست خواهد آمد. این فرهنگ سال‌ها پیش در هندوستان به صورت چاپ سنگی منتشر شده است و در سال ۱۳۸۰ به تصحیح سیروس شمیسا از سوی انتشارات فردوس منتشر شد.

۱-۱-۲-۲- جواب شافی

جواب شافی، رساله‌ای است در نقد ادبی که وارسته در پاسخ نقدهایی نوشته است که سراج‌الدین خان آرزو در حاشیۀ دیوان اشعار حاکم لاهوری نوشته است. حاکم لاهوری احترام ویژه‌ای برای جایگاه علمی خان آرزو قائل بوده است از این رو در صدد بوده است که از اصلاحات و نقدهای آرزو بر اشعارش بهره‌مند شود. خان آرزو نیز بر دیوان او حاشیه می‌نویسد و نقدهایش را بیان می‌کند. وارستۀ سیالکوتی مل در پاسخ به این نقدها رسالۀ **جواب شافی** را می‌نویسد و آراء و نظرات آرزو را درباره شعر حاکم و یا در جواب منیر لاهوری (در رسالۀ سراج منیر در جواب رسالۀ کارنامه) و حزین

لاهیجی (در رسالۀ تنبیه الغافلین) نقد می‌کند. آغاز این رساله چنین است: «بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر بعد حمد خدایی که ذات مقدسش از جمیع نقائص معرا و حکمت بالغه‌اش از همگی عیوب میرا. بر ضمیر منصفان حق منش حق جو مخفی نماند که در سنۀ هزار و صد و شصت و سه هجری (۱۱۶۳) خان سخن‌دان حکیم بیگ خان حاکم تخلص از دهلی قصد به لاهور فرمود. بندۀ وارسته به حکم محبت‌های دیرین به دیدن خان سری کشیدم و از دیوانش چشمی را آب دادم. دیدم که بر حواشی صفحات ایرادهایی وارد و غیروارد مرقوم است و بر اکثر ابیات که از وسمت و منقصت خط آزادی دارد خط بیزاری کشیده‌اند. قطع نظر از جهات دیگر از هر دری که درآمده‌اند را برآمدن ندارند و از هر بابی که ابواب کرده‌اند در سخن گرفته است. به یک دیدن پای نظر از جا رفت و چشم دل را حیرت رو نمود.

بعد از استفسار معلوم شد که چراغ این اعتراضات بر کرده شعله ادراک خان دقیقه یاب تحقیق مآب سراج الدین علی خان آرزوست زاد تحقیقه و تدلیله. مرا که به استماع صیت سخنوری و مطالعه بعض مصنفات بلاغت آیات آن جناب غائبانه معتقد بودم و به جامعیت کمالات و کمال جامعیت آن سراج منیر شبستان گفتگو اعتقاد جازم داشتم سخت استعجاب رو داد. و تعجبی که از مشاهده رسالۀ مسمی به سراج منیر که در خاتمۀ آن گرفت‌هایی چند بر اشعار و فقرات منیر رقمی شده داشتم به اضعاف مضاعف رسید:

مصرع

حیرتم رو داد از جایی که جای حیرت است

خان حاکم بر سر استبداد آمده به استدلال دلائل دفع اعتراضات مزبور مبالغه از حد برد. بلی حق به جانب داشت که سخن‌هایش به خاک می‌افتاد. من که به اظهار عیب غیر مُعرض کوشیدم عرض خود بردن می‌دانم و این کمال را نقصان کمال می‌شناسم از قبول این امر پهلوی تهی می‌کردم. چون اقتراح خان دیرین آشنا از حد گذشت اعلاء للحق رفع تشکیکات اشعار خان حاکم نموده صحت

سخنان منیر به ایراد دلائل محکمه مدلل و مبرهن ساختم.» (وارسته سیالکوتی مل، ۱۳۸۳: ص ۶۱ و ۶۲)

این رساله در کنار کارنامه سراج منیر، داد سخن، تنبیه الغافلین و قول فیصل از مهم‌ترین منابع نقد ادبی در تاریخ ادبیات فارسی محسوب می‌شود. جواب شافی در سال ۱۳۸۳ به تصحیح سیروس شمیسا از سوی انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی منتشر شد.

۱-۲-۳- رجم الشیاطین

رجم الشیاطین نام کتابی است که در منابع به وارسته سیالکوتی مل نسبت داده شده است. سیروس شمیسا در مقدمه رساله جواب شافی این احتمال را می‌دهند که این کتاب همان جواب شافی است. سیروس شمیسا در باب این کتاب اینگونه اظهار نظر کرده‌اند: «جزو آثار وارسته سیالکوتی از رساله‌ای تحت عنوان **رجم الشیاطین** نام برده‌اند که وارسته آن را در دفاع از حزین لاهیجی و رد کتاب خان آرزو (تنبیه الغافلین)، نوشته بود. اما از این رساله در هیچ فهرست نسخ خطی خبری نیست و ظاهراً از میان رفته است. این که وارسته چنین کتابی نوشته باشد محتمل است زیرا اولاً از همین رساله **جواب شافی** و نیز مطاوی کتاب **مصطلحات الشعرا** استنباط میشود که به رد عقاید خان آرزو و چون و چرا کردن با او بی میل نبوده است و اگر اقوال تذکره صبح روشن را (که چندان مستند نیست) بپذیریم ظاهراً به حزین ارادت می‌ورزیده و با او آشنا هم بوده است. از طرف دیگر احتمال این که چنین رساله‌ای اصلاً نوشته نشده باشد مستبعد نیست زیرا وارسته خود در آثارش مثلاً در همین جواب شافی اسمی از آن نبرده (البته از اثر دیگر خود **مصطلحات الشعرا** هم نامی نبرده است) و سایر نویسندگانی هم که به رد تنبیه الغافلین همت گماشتند (مثلاً صهبایی) اشاره‌ای به چنین کتابی نکرده‌اند. در این صورت می‌توان احتمال داد که برخی همین جواب شافی را که رد خان آرزوست در دفاع از حزین پنداشته باشند، اما نکته مورد تامل این است که اصطلاح رجم الشیاطین در هیچ کجای جواب شافی نیامده است.» (وارسته سیالکوتی مل، ۱۳۸۳: ص ۹)

۱-۱-۲-۴- مطلع السعدین

و اما مطلع السعدین که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، رساله‌ای است در علوم و فنون ادبی که وارسته در آن به معرفی انواع ادبی و تعریف و توضیح صناعات ادبی پرداخته است. این کتاب را به خاطر ماهیت غیرمقلدانه و اصیلش می‌توان جزء کتب مهم بلاغی به حساب آورد.

مطلع السعدین از چندین جهت حائز اهمیت است. ۱- وارسته سیالکوتی با دقت و هوشیاری تمام، تمامی موضوعات را کاویده و تقریباً چیزی را جا نینداخته است. ۲- توجه او به اشعار شاعران هم‌دوره‌اش سبب شده است که این کتاب علاوه بر اهمیت بلاغی، اهمیت ویژه‌ای در دسته‌بندی و تحلیل شعر سبک هندی داشته باشد. این کتاب به همین خاطر که از اشعار هم‌دوره‌هایش بهره جسته است دارای ارزش است حتی در مواردی که به بیان بی‌کم و کاست و تکراری آرایه‌هایی که پیشتر در کتب بلاغی دیگر به آن‌ها پرداخته شده بود، می‌پردازد. زیرا حداقل در حوزه مثال‌ها، اثری منحصر به فرد محسوب می‌شود. ۳- او بر خلاف آنچه در کتب بلاغی رایج بوده، به تکرار مثال‌های کتب بلاغی دیگر نپرداخته است و همت بر این گماشته است که مثال‌های جدیدی از کتاب‌هایش برگزیند. خود او در جایی به این موضوع اشاره کرده است: «دیگر امثله در مصنفات بلاغت آیات اکابر زمان بسیارست احترازاً عن التطویل به همین قدر اختصار رفت و التصفح علی طالب التفصیل». ۴- اهمیت دیگر این اثر در نگاه نقادانه وارسته سیالکوتی مل است. وارسته در جای جای این رساله به کتب بلاغی پیش از خود ارجاع داده است و به عنوان موافق یا مخالف نظرانی درباره اقوال آن‌ها داده است. گاهی در موضوعی اختلاف نظر چند بلاغی را نیز تبیین کرده است. ۵- از دیگر موارد بسیار مهم رساله وارسته، این است که به صورت پررنگ‌تری به استثناءها پرداخته شده است. تقریباً در تمامی موارد ذیل بیان هر صنعت و در توضیح هر مبحثی، استثنائاتی را نیز ذکر کرده است که نشان از پرخوانی او و احاطه‌اش به شعر سبک هندی دارد. این‌ها همه در حالی است که با مراجعه به کتب بلاغی فارسی متوجه خواهیم شد که تعداد زیادی از رساله‌های بلاغت در ایران از روی یکدیگر نوشته شده است و

کپی‌برداری و تکرار مکررات در آن رساله‌ها کاملاً مشهود است. اما در رساله‌های بلاغی که در هند تالیف شده است این وضعیت دیده نمی‌شود. رساله‌هایی نظیر غزلان‌الهند آزاد بلگرامی، حدائق‌البلاغه فقیر دهلوی و مطلع‌السعدین وارسته سیالکوتی از مهم‌ترین کتب بلاغت در شبه قاره هندوستان محسوب می‌شوند.

شاعرانی که از آن‌ها مثال‌هایی ذکر شده است، اکثراً از شاعران برجسته سبک هندی محسوب می‌شوند. صائب تبریزی، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، قدسی مشهدی، زلالی خوانساری، شفایی اصفهانی، علی نقی کمره‌ای، قاضی سعید قمی، اشرف مازندرانی، کلیم کاشانی، سلیم تهرانی، بیدل دهلوی، طغرای مشهدی، محسن تاثیر و... همگی از شاعران صاحب نام و قدر سبک هندی محسوب می‌شوند. این شاعران بیشترین مثال‌های مطلع‌السعدین را به خود اختصاص داده‌اند. اما گاه گذاری مثال‌هایی نیز از قدما آورده شده است. قدمایی که توجه ویژه‌ای به آن‌ها شده است یکی کمال اسمعیل است که لقب خلاق المعانی دارد و به اعتبار اشعارش می‌توان او را از زمره کسانی دانست که قرن‌ها پیش از سبک هندی، بنیاد نوآوری در خیال را گذاشت و به نوعی از شاعران تاثیرگذار در پیدایش سبک هندی محسوب می‌شود. شاعر متقدم دیگری که در مثال‌ها به اشعار او استناد شده است امیر خسرو دهلوی است. امیر خسرو دهلوی نیز در بسیاری از موارد بر شاعران سبک هندی موثر بوده است و شاید هندی بودن او سبب شده بود که شاعران زاده هند در دیوان او توغل فراوان داشته باشند. توجه وارسته به معاصرانش و توجه او به کمال اسمعیل و امیر خسرو دهلوی از میان متقدمان نشان می‌دهد که او عمداً قصد داشته است رساله‌ای بلاغی مخصوص شعر عصر بنویسد. یعنی در ذهن او کاربردی بودن رساله‌اش اهمیت ویژه‌ای داشته است.

۱-۱-۳- ملاحظات زبانی وارسته

وارسته در آغاز مطلع السعدین به بیان ویژگی‌های زبان فارسی و تحلیل پیشینه آن پرداخته است و توضیحاتی نیز دربارهٔ زبان پهلوی و عربی و اردو و سغدی و هروی و دری و... ارائه کرده است که در نوع خود بسیار قابل توجه است. وارسته فارسی را از دری جدا می‌کند و در جایی نیز به سیر و تغییر و تطور زبان فارسی اشاره می‌کند و فارسی زمان خودش را حاصل از ترکیب چند زبان معرفی می‌کند: «و فارسی که امروز بر زبان تحریر و تقریر فصیحی نظم و نثر متداول است نه صرف دری است و نه خالص پهلوی بلکه به امتزاج هم‌زبانی علیحده بر روی کار آمده و اختلاط و آمیزش آن بر زبان پارسی نشئه سخن را دوبالا و شراب گفتگو را دوآتشه ساخته رنگ تازه بر کرده از منظومات سلف آنچه با تازی کمتر آمیزش دارد و گویا فارسی صرف است شاهنامه و یوسف [او] زلیخای فردوسی و ویس [او] رامی فخر است و در منثورات رسائل، بابا افضل کاشی است و دانشنامه رئیس الحکما^۱ مقیس علیه کثرت و قلت لسانین مصنفات متقدمین و مولفات متاخرین است.» وارسته در ادامه به موضوع تغییر و تطور زبان در زمان‌های مختلف اشاره می‌کند و آن را امری ناگزیر می‌داند که همواره وجود داشته و ادامه خواهد داشت: «مخفی نماند که در طرز و طور زبان فارسی به تصاریف شهرور و اعوام، تخالف تمام راه یافته و می‌یابد چه الفاظ و عباراتی که در ازمنه باستانی تداول داشته امروز اثری از آن پیدا نیست».

ملاحظات زبانی او نشان می‌دهد که او به خوبی با زبان‌های رایج زمان خودش آشنا بوده است و به ماهیت چندگانگی و تغییر و تطور زبان نیز معتقد بوده است. نظر او دربارهٔ تلفیقی بودن زبان‌ها نشان می‌دهد که او این امر را امری مبارک تلقی می‌کرده است. از نظر او نشئه سخن به این روش دوبرابر می‌شود. وارسته در جایی به بعضی تفاوت‌های زمانی و مکانی رواج پهلوی و دری اشاره می‌کند و به موضوع تغییر معنای واژه‌ها نیز اشاره کرده است. وارسته به تاثیرپذیری فارسی از عربی نیز اشاره

^۱ منظور دانشنامهٔ علایی ابن سیناست.

می‌کند و می‌گوید به جز شاعران اولیه که اکثر واژه‌های اشعار آن‌ها فارسی است، بقیه از اشعار عربی استفاده کرده‌اند. او اشاره می‌کند که در حوزه نام اشخاص تماما اسامی فارسی و ایرانی از بین رفت و اسامی عربی جایگزین شد. او زبان فارسی را هفت شاخه می‌داند که چهارتای آن زبان مرده محسوب می‌شود و سه‌تای آن زنده است: «بالجمله زبان فارسی هفت گونه است چهار از آن که "هروی" و "سگزی" و "زاولی" و "سغدی" است متروک است نامه و رساله در آن نمی‌توان نوشت» و سه زبان دیگر را نیز که زبان زنده می‌داند «فارسی»، «پهلوی» و «دری» برشمرده است و وجه تسمیه هر یک از این سه زبان را نیز توضیح داده است. جالب این است که او «فارسی» را یکی از شاخه‌های «زبان فارسی» به حساب آورده است!

۱-۱-۴ - نقد نظرات دیگران

وارسته همواره در جای جای آثارش به نقد نظرات دیگران می‌پردازد. البته روحیه نقادانه او در رساله **جواب شافی** نیز مشهود است. وارسته در رساله **جواب شافی** به نقد نقدهای خان آرزو بر اشعار حاکم لاهوری می‌پردازد که در نوع خود بسیار قابل توجه است. اما در رساله مطلع السعدین نیز که وجهه آموزشی دارد و قرار نیست در آن به نقد بپردازد نیز جسته و گریخته نظراتی را که پیش از او درباره موضوعاتی داده شده است مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد. این رویکرد نقادانه در کتب بلاغی ایرانی کمتر دیده می‌شود. به عنوان مثال وقتی وارسته از تغییرات واژه‌های پهلوی و دری در زبان فارسی سخن می‌گوید نظر عبدالواسع درباره واژه اعجوبه را اینگونه مورد نقد قرار می‌دهد: «به قول متاخرین در الفاظ فارسی اگر نقصانی واقع نشده مثلاً اشکم و اسپید و اسپر دریست و آلا پهلوی. عبدالواسع صاحب دستورالعمل، همزه اعجوبه را از قبیل همزه اشکم و استم و اشتر پنداشته و تسامح ورزیده چه اعجوبه لفظ عربی است و همزات مذکور خاصه الفاظ فارسی است پس اعجوبه را از این

قبیل شمردن اعجوبه بر روی کار آوردن است» او در جای جای رساله اگر تفاوتی بین نظر خود و دیگران دیده آن را بیان کرده است و اگر نظری از کسی آورده است به منبع اصلی ارجاع داده است و به این طریق اخلاق علمی را نیز رعایت کرده است. به عنوان مثال در مورد زبان دری و پهلوی به گفته قوسی شوشتری ارجاع داده است: « لهذا مجدالدین علی قوسی شوشتری در کتاب لغت مصنفه خود که مسوده آن به خط خودش به نظر این بیسواد رسیده پهلوی را از عالم زبانی که در اردوی معلای پادشاهی بدان متکلم باشند نوشته بل گروهی بر این رفته که پهلوی و دری یکی است چه دری زبان مردم درگاه ملوک است و پهلوی زبان اردو و فلا محاله مآل واحدست به قول متاخرین در الفاظ فارسی اگر نقصانی واقع نشده مثلا اشکم و اسپید و اسپر دریست و آلا پهلوی».

۱-۱-۵- دقت‌های بلاغی

همانطور که پیشتر گفته شد مطلع السعدین یک کتاب دست اول است و وارسته در آن سعی کرده است مباحث و مثال‌های نوینی بیان کند. نگاه انتقادی او و ریزبینی‌هایش تحسین برانگیز است. به عنوان مثال وارسته با ذکاوت تمام دریافته است که آنچه در کتب بلاغی درباره ناخوشایندی تتابع اضافات آمده، تکرار گفته بلاغیون درباره شعر و زبان عربی است و این گفته برای زبان فارسی صدق نمی‌کند: «تتابع اضافات، اگرچه در رسائل صنائع این را از عیوب گفته‌اند لیکن تحقیق اینکه استهجان تتابع اضافات در تازیست در فارسی نیست چه در نظم و نثر اکابر زبان دانان فارسی تتابع اضافات بسیارست و بر متتبع پوشیده نیست مثالش طغرا:

شوی چو عازم تسخیر آفتاب رخس ز خط اشک وفا مبذل عظام کن

اشرف:

شور خیال صرصر قهرت کلافه کرد دستار را به فرق جهان پهلوان برف

خان آرزو:

خط پشت لب شیرین که زد جوش بهار رنگ نوروں هم امثال نباتی گردید

مثال در نثر، جلالای طباطبایا در تعریف فواکه کشمیر:

لعل بوکرک ثمر نیک اخترش را جگر گوشه آفتاب نامم یا گوشواره لعل شاداب».

گاهی نیز میان دو بیت که از یک صنعت بهره برده‌اند قضاوت کرده است و ابلاغ (بلیغ‌تر) را با ذکر دلیل تعیین کرده است. همچنین تعریفی که از بعضی اصطلاحات پرکاربرد اما نامفهوم کهن ارائه داده است قابل توجه می‌باشد. به عنوان مثال لفظ «جزالت» را که فراوان در متون کهن به عنوان صفت شعر به کار رفته است تعریف کرده است که در نوع خود قابل توجه است: «و آن آوردن الفاظ شسته و آشنا و معانی بیگانه است بر نمطی که اگر تبدیل لفظی به لفظی خواسته باشند بنا بر تنگ‌ورزی کلمات و چسپانی الفاظ و رعایت تناسب صورت نگیرد و آلا لطافت کلام برهم خورد. جزالت که در نثر گلستان شیخ شیراز با فصاحت و بلاغت جمع شده دیگر کم کسی را میسر آمده باشد.»

۱-۱-۶- بعضی از نظرات متفاوت او

۱-۱-۶-۱- نظر وارسته سیالکوتی مل درباره مستزاد

چیزی که شاید تا حدودی از اشتباهات وارسته تلقی شود یکی این است که مصراع کوتاه مستزاد را که به آن افزوده می‌شود، با عنوان «نثر» می‌شناسد. در صورتی که می‌دانیم آن مصراع افزوده شده نیز دارای وزن مشخصی است و تا پایان شعر آن وزن در تمامی مصاریع کوتاه رعایت می‌شود. وارسته به اشتباه آن را نثر تلقی کرده است: «مستزاد شعری است که زیاده کنند بر هر مصرع

یا بیت فقره‌ای از نثر به حیثیتی که مرتبط باشد در معنی به کلام منظوم و در صورت اسقاط آن معنی به حال خود باشد و گاهی چنین نبود. ازدیاد فقره وجه تسمیه است.»

۱-۱-۶-۲- نگاه سبک‌شناسانه

در بسیاری از موارد وارسته به موضوع رواج داشتن یا متروک شدن یک واژه، یک صنعت یا یک قالب اشاره کرده است و این توجه او به مسئله بسامد هنر سازه‌ها در دوره‌های مختلف را نشان می‌دهد. به عنوان مثال درباره قالب مسمط چنین اظهار نظر می‌کند: «شعرای سلف جمیع انواع مسمط بسیار گفته‌اند به تصاریف ازمنه اکثر آن در این زمان متروک شده لهذا امثله بعضی از سخنان متقدمین و لختی از اشعار متاخرین آورده شد». همانطور که وارسته به درستی اشاره کرده است مسمط در زمان او بسیار کم کاربرد شده است و جز تعداد اندکی، نمونه‌ای از آن یافت نمی‌شود. سپس به بیان نوآوری‌های هم‌عصرانش در این قالب می‌پردازد: «ولی دشت بیاضی اختراعی کرده که یک مسمط بر دو صنعت گفته یک بندش مثنی و بند دوم مسدس».

۱-۱-۶-۳- توجه ویژه به خان آرزو

وارسته مل سیالکوتی در بعضی قسمت‌های این رساله به نقد آراء صاحب‌نظری چون سراج‌الدین علی خان آرزو پرداخته است. وارسته توجه ویژه‌ای به آراء و نظرات خان آرزو دارد. در رساله جواب شافی نیز نقدهای وارسته همه بر نظرات و آراء خان آرزو است. در زمانی که وارسته این نقدها را می‌نوشته است، سراج‌الدین علی خان آرزو شخصیتی مهم و معروف در زمینه شعر و نقد ادبی محسوب می‌شده اما وارسته تقریباً ناشناس بوده است. این احتمال می‌رود که وارسته قصد داشته است با نقد آراء آرزو برای خود جایگاه ویژه‌ای رقم بزند و به نوعی خودی نشان بدهد. در رساله مطلع‌السعدین نیز در خلال مباحث بلاغی نقدهایی بر آرزو نوشته است که گاه مربوط به آن مبحث نبوده است. به عنوان مثال در ذیل صنعت «جلی»، پس از بیان تعریف این صنعت نمونه‌ای از نظیری نیشابوری ذکر می‌کند

و پس از آن نظر خان آرزو را درباره آن دو بیت بیان می‌کند و سپس به نقد نظر خان آرزو می‌پردازد:
«...نظیری نشابوری:

بخت مادرکش، یتیمم در غریبی کرده است کرده گردون را یکی آئین و دوران مادری
دایه گردون تُنگ شیر است گوید خاک خور مادر دوران گران خواب است گوید خون گری
هرچند یتیم در لغت به معنی طفلی است که پدر از سرش رفته باشد لیکن شعرا هر کودکی
که مادرش بمیرد نیز اطلاق کنند چنانکه شعر مذکور نظیری نشابوری دال است بر این معنی.
و دوم این شعر:

دختر رز از برم تا رفت گردیدم یتیم دوستداران چاره این طفل بی مادر کنید
خان سراج المحققین بر این شعر از سه وجه ایراد گرفته‌اند یکی اینکه طفل از مردن مادر
یتیم نمی‌شود و دوم آنکه نسبت از بر رفتن به مادر نمی‌توان کرد سوم آنکه خود را پسر دختر قرار
دادن خیلی قبیح است. جواب اعتراض اول بالا گذشت و جواب دوم مراد از بر رفتن آن نیست که
فهمیده‌اند بلکه بر معنی پیش است. گویند قاصد از بر او آمده است و قاصد از بر ما رفته است چنانکه
کمال اسمعیل گوید:

دل خود طلب چو کردم بر نرگس تو گفتا برو ای فلان و بهمان بر من چکار دارد
خان خالص:

ندیده کس کمر تنگدستان تو را مصور از بر خود می‌کشد میان تو را
و جواب سوم آنکه از این قسم بل بتر از این در اشعار اکابر هست از آنجمله خلاق معانی گوید:

نبات فکر مرا بی ولی و خطبه و عقد ز ره ببرد فضولی ز نامسلمانی
به داب محرم و نامحرمش نصیحت کرد نه هیچ شرم ز خلق و نه ترس یزدانی
مر ز غیرت خون جگر به جوش آمد چو آنچنانش بدیدم ز نابسامانی
زدم به شانه تقطیع زلف الفاظش بشستم از رخ معنیش گرد ظلمانی